

راجیو گاندی

قربانی تعصب در هند

عیسی حانمی

از دوران استقلال هند در سال ۱۹۴۷ تا به امروز سه نفر از رهبران این کشور قربانی تعصبات مذهبی شده‌اند. مهاتما گاندی رهبر کبیر هند در سال ۱۹۴۸ به وسیله یک هندو متعصب ترور می‌شود. خانم ایندرا گاندی در سال ۱۹۸۴ به وسیله نگهبانان سیک خود که از خشونت سربازان هندی در معبد طلایی «امرتیسار» به خشم آمده بودند ترور شد. بعد از آن راجیو گاندی به وسیله انفجار بمب در یک گردهمایی انتخاباتی در ایالت «تامیل ناده» در جنوب هند در سن ۴۶ سالگی به قتل رسید. در این ترور بیشترین اتهام متوجه افراطیون تامیلی است که در سری لانکا بر علیه دولت آن کشور می‌جنگند. تامیل‌ها یکی از اقوام بزرگ هند را تشکیل می‌دهند که در جنوب آن کشور ساکن هستند و اقلیتی از آنان در شمال کشور سری لانکا بودایی مذهبند و تامیل‌ها که به مذهب هندو اعتقاد دارند می‌باشد.

اما دشمنی بیرهای آزادیبخش تامیل با راجیو گاندی را نباید در دوران نخست‌وزیری او جستجو کرد که در آن دوران قرارداد صلحی بین تامیل‌های سری لانکا و دولت آن کشور با وساطت دولت هند در سال ۱۹۸۷ بسته شد که برای اجرای آن بیش از یکصد هزار نفر از سربازان هندی به عنوان نیروهای پاسدار صلح به سری لانکا اعزام شدند و در مدت دو سال حضور این نیروها سربازان هندی دست به حملات گسترده‌ای بر علیه بیرهای آزادیبخش تامیل که با قرارداد صلح و حضور نیروهای هندی مخالف بودند، زدند و از آن زمان بیرهای تامیل بر علیه راجیو گاندی تحریک شدند. راجیو در ۲۰ اوت ۱۹۹۴ در بمبئی متولد شد. پدرش فیروز گاندی از ایرانی-تباران زرتشتی بود که اجدادشان چهارده قرن پیش در مقابل فشار اعراب ناگزیر از مهاجرت به هند شدند و در این سرزمین اقلیتی بزرگ را تشکیل دادند که هنوز زبان پارسی و دین زرتشتی و نسبت‌های ایرانی خود را حفظ نموده‌اند و مادرش ایندرا گاندی دختر جواهر لعل نهرو بود.



نخست‌وزیری هند انتخاب گردید. زمانی که شاستری برای بستن قرار صلح بین هند و پاکستان به تاشکند مسافرت نمود بعد از منعقد شدن معاهده بین او و «ایوب خان» رئیس جمهوری پاکستان در تاشکند فوت نمود. حزب کنگره، خانم ایندیرا گاندی دختر جواهر لعل نهرو را به رهبری حزب انتخاب کرد و به همین خاطر در حزب کنگره دو جناح به وجود آمد، خانم گاندی حزب جدید کنگره را تشکیل داد و مخالفان او یعنی «آنارمان نارایان» و «موراجی دسامی» رهبری کنگره قدیم را در اختیار گرفتند. در انتخابات ۱۹۷۱ جناح خانم گاندی پیروزی بزرگی به دست آورد. ۲ نمایندگان در مجلس ملی را به حزب خود اختصاص داد. تداوم دموکراسی و بحران داخلی در سال ۱۹۷۷ منجر به سقوط دولت زندگی می‌نمایند. سری لانکا سالهاست که

خود را در دانشگاه کمبریج انگلستان به پایان رساند و در دوران تحصیل با خانم «سونیا» که ایتالیایی الاصل می‌باشد ازدواج نمود که ثمره آن یک دختر و یک پسر می‌باشد. پس از مرگ تصادفی «سانجای» برادرش در سال ۱۹۸۰ قدم به صحنه سیاسی گذاشت. خانواده نهرو همیشه در صحنه سیاسی هند مطرح بوده‌اند چنانکه جواهر لعل نهرو یکی از بنیانگذاران حزب کنگره در سال ۱۸۸۵ بود که این حزب را جهت فراهم آوردن زمینه استقلال هند از بریتانیا تشکیل دادند و از آن زمان به بعد خانواده نهرو همیشه در رهبری این حزب نقشی اساسی ایفا نموده‌اند. جواهر لعل نهرو از زمان استقلال هند در سال ۱۹۴۷ تا ۱۹۶۴ که فوت نمود رهبری حزب کنگره و نخست‌وزیری هند را به عهده داشت.

بعد از فوت نهرو آقای «بهادر لعل

واژگونی یک حکومت خودکامه در اتیوپی

خانم گاندی گردید. حزب کنگره قدیم با چهار حزب سیاسی دیگر ائتلافی بنام «جانانا» در مقابل حزب کنگره خانم گاندی بوجود می آورد تا بدین صورت اکثریت را در پارلمان هند از آن خود نموده و آقای موراجی دسامی دو ماه و بعد از او آقای «سواران سینگ» به مدت دو سال نخست وزیر هند می شوند. انتخابات ۱۹۸۰ را حزب کنگره خانم گاندی می برد و تا سال ۱۹۸۴ که به وسیله سیکهای افراطی به قتل می رسد نخست وزیر هند را خانم گاندی به عهده داشت. پس از قتل خانم گاندی پسرش راجیو به جانشینی مادر انتخاب می شود و با پیروزی در انتخابات تا سال ۱۹۸۹ نخست وزیر هند را به عهده داشت و از سال ۱۹۸۹ به بعد با اینکه حزب کنگره بزرگترین حزب سیاسی هند بود و بیشترین کرسی ها را در پارلمان هند اختیار داشت اما بقیه گروه های سیاسی ائتلافی که اکثریت را در پارلمان داشت تشکیل می دادند و بدین صورت دولت را به عهده می گرفتند و زمانی که اقتضا می کرد حزب کنگره به حمایت از این دولت ها می پرداخت. انتخابات ۱۹۹۱ که پیش بینی می شد حزب کنگره به پیروزی برسد با قتل راجیو گاندی متوقف گردید.

با قتل راجیو گاندی دوران حکومت خانواده نهرو به پایان رسیده است. حزب گاندی که بزرگترین گروه سیاسی در طول تاریخ حیات هند از استقلال آن به حساب می آید با بحران رهبری روبرو شده است که می تواند بحران و تشنج را در این کشور دامن بزند.

حزب کنگره با انتخاب «ناراسیمها رائو» سیاستمدار کهنه کار به عنوان رئیس موقت خود را برای انتخابات آماده می کند و اما آیا او می تواند جناح های مختلف حزب را با هم متحد کند، یا اینکه انتخابات آتی «حزب کنگره» فرجامی دیگر خواهد داشت؟

حزب کنگره با توجه به قتل راجیو گاندی در انتخابات به پیروزی خواهد رسید که در آن صورت رهبر کنگره نخست وزیر هند را به عهده خواهد گرفت. هند در شرایط فعلی به رهبری توانا و آزاداندیش نیاز دارد که بتواند آینده متلاطم این بزرگترین کشور آسیای جنوبی را دستخیزد.

در سال ۱۹۹۱ شاهد متلاشی شدن حکومت های خودکامه در جهان هستیم. بعد از فروپاشی حکومت «محمد ارشاد» در بنگلادش نوبت به سقوط حکومت «محمد زیادبارة» در سومالی رسید و حالا نوبت «منگستوهایله ماریام» دیکتاتور اتیوپی شده است. روند دیکتاتورزدائی در جهان از اوایل دهه هشتاد با جایگزینی آرام حکومت های دموکراتیک به جای دیکتاتورهای نظامی در امریکای لاتین آغاز گردید و سپس با روشی سریع در اروپای شرقی ادامه یافت. در کمتر از یک سال تمامی حکومت های دیکتاتوری در اروپا متلاشی شد و به جای آنان حکومت های دموکراتیک با قبول احزاب سیاسی مخالف و انتخابات آزاد به وجود آمد. و آخرین سنگر این نوع حکومت در آلبانی، اصل آزادی و فعالیت احزاب مختلف سیاسی را پذیرفت. و بعد از چهل ساعت نخستین انتخابات آزاد برگزار شد. این روند در آسیا و آفریقا هنوز هم ادامه دارد. منگستوهایله ماریام ۱۴ سال پیش با یک کودتای نظامی به عمر حکومت سلطنتی در اتیوپی خاتمه داد، با کمک شوروی و کوبا یک دیکتاتوری کمونیستی را به وجود آورد و از آغاز حکومت این کشور را درگیر جنگ های خارجی با سومالی و حمایت از شورشیان جنوب سودان کرد، و در صحنه داخلی هم جنگ را با استقلال طلبان ارتبه ادامه داد و بدین گونه تمام توان و منابع این کشور فقیر و فحطی زده را از بین برد و فقر و بدبختی روز به روز ابعاد گسترده تری به خود گرفت.

در جهان تغییراتی اساسی به دنبال داشت و باعث شد که حمایت نظامی و اقتصادی را از متحدانش قطع نماید. حکومت اتیوپی بدون حمایت خارجی قادر به بقا نبود. بناچار منگستوهایله ماریام در ۲۱ مه ۱۹۹۱ از قدرت کناره گیری نمود و فرار را بر قرار ترجیح داد.

با سقوط حکومت های دیکتاتوری در سومالی و اتیوپی رقابت در منطقه حساس شاخ افریقا بین امریکا و شوروی به پایان رسید و نظام هایی که یادگار دوران جنگ سرد بودند، چون به وجودشان احتیاجی نبود سقوط کردند. جبهه انقلابی دموکراتیک خلق اتیوپی که پس از فروپاشی کامل دولت قدرت را در دست گرفته است در آینده با مشکلات شدیدی روبرو خواهد شد. اقتصاد ویران شده و فقر و گرسنگی از مهمترین موضوعاتی می باشند که دولت جدید بدون حمایت بین المللی نمی تواند به حل آنان خوش بین باشد و اما آینده حکومت و کشور اتیوپی چه خواهد شد؟ جبهه آزادی بخش خلق ارتبه که بر تمامی ارتبه تسلط دارد خواهان استقلال می باشد و جبهه آزادی بخش «اومورو»، یکی از سه گروه شورشی، خواستار برگزاری یک همه پرسی در مورد ملت اومورو که یکی از مهمترین اقوام این کشور است می باشد. آیا حکومت جدید از سیاست اسلاف خود در جهت سرکوب نیروهای مخالف پیروی می کند و یا سیاست جدیدی را اتخاذ می کند. آیا رقابت در منطقه شاخ افریقا به پایان رسیده است و می توان به